

پژوهشی در روش عقلی و نقلی مهدویت در اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی^۱

محمود ملکی راد^۲

چکیده:

معرفت به پدیده‌ها و شناخت آن‌ها بر اصول و مبنایی استوار است که از نوع نگرش انسان به جهان هستی و انسان نشأت می‌گیرد. آموزه مهدویت به عنوان مسئله و موضوعی که لازم است مورد شناخت قرار گیرد؛ از روش‌های مختلف قابل شناخت است. فرضیه این پژوهش آن است که در اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی، مهدویت و انتظار از روش‌ها و فنون مختلف فطری، عقلی و نقلی قابل شناخت است. این پژوهش، با رویکرد کیفی و روش توصیفی - تحلیلی، روش عقلی و نقلی مهدویت را با تأکید بر اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی مورد بررسی قرار داده؛ و به این سوال اصلی که مهم‌ترین روش‌های عقلی و نقلی اثبات آموزه مهدویت از دیدگاه آیت الله صافی گلپایگانی کدام است؛ پاسخ داده است. تبیین چگونگی شناخت مهدویت به روش عقل و نقل از منظر آیت الله صافی گلپایگانی، مانند ظهور منجی موعود و هدف‌مندی تاریخ، محال بودن غلبه همیشگی یا اکثری ظلم و ستم و باور به مهدویت مصداقی از مصادیق ایمان به غیب؛ از مهم‌ترین دستاوردها و یافته‌های این مقاله است.

واژگان کلیدی: روش، روش عقلی، روش نقلی، مهدویت، عقل، نقل.

۱. این مقاله به همایش بین‌المللی مهدویت و انتظار در اندیشه حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ارائه و طبق تفاهم نامه بین دفتر فصلنامه انتظار موعود با پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی چاپ شده است.

m.malekirad@isca.ac.ir

۲. عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

آموزه مهدویت، بر نوع نگرش انسان به جهان و انسان و دین مبتنی و بر روش‌های عقلی و نقلی استوار است. این پژوهش در صدد است روش عقلی و نقلی مهدویت از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی را مورد بررسی قرار دهد؛ زیرا بحث در مورد امکان ساخت مهدویت و توجیه‌پذیری آن، یکی از مباحث مهم موعودشناسی به‌شمار می‌رود. این بحث از جنبه رتبه بر سایر مباحث مربوط به منجی موعود مقدم است؛ یعنی اولین مسئله‌ای که لازم است در مطالعات مهدوی بررسی شود، همین مسئله است. در این بحث روشن می‌شود که آموزه مهدویت، شناخت‌پذیر و واقع‌نماست و با جهان واقع مطابقت دارد؛ زیرا از یک طرف بر عقل، و از طرف دیگر بر مبانی نقلی متقن مبتنی است؛ یعنی دلیل عقلی و نقلی بر اثبات آموزه مهدویت از ظرفیت‌هایی برخوردار است که می‌تواند این آموزه را مستدل و قابل دفاع کند.

در واقع، بررسی روش عقلی و نقلی مهدویت و تبیین ظرفیت‌های عقل و نقل در این حوزه موجب خواهد شد که نظام معرفتی مستحکم و منظمی در مورد آن شکل بگیرد. آیت‌الله صافی گلپایگانی با تأکید بر این مطلب، عقلی بودن را در بررسی و شناخت هر فکر، اصل و آغاز کار می‌داند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ص ۱۹-۲۱)؛ به این معنا که عقل، امکان آن را بپذیرد. این قانون در تمام مسائل علمی و غیرعلمی جاری و ساری است؛ یعنی ابتدا لازم است عقل، امکان چیزی را بپذیرد و احتمال واقعیت داشتن یا واقعیت یافتنش از منظر عقل مقبول باشد. پس از این که عقل امکان چیزی را پذیرفت و احتمال آن را رد نکرد، اثبات آن، اگر چه از راه اخبار اشخاص موثق، امری عقلایی و صحیح است. اعتقاد به مهدویت نیز چنین است؛ زیرا هر عاقلی امکان آن را تصدیق می‌کند و شک و تردید را در آن جایز نمی‌داند؛ و هیچ اندیشمندی نمی‌تواند در اصالت مهدویت از این لحاظ ایرادی بگیرد. از این رو، ظهور مصلح آخرالزمان، در بین ملل و امت‌های مختلف امری مسلم و ثابت است (همان).

از آن جا که اعتقاد به منجی موعود، از خاستگاهی چون فطرت و عقل برخوردار است؛ این آموزه برون دینی است و به دین، آیین و فرهنگ خاصی اختصاص ندارد؛ چون فطرت و عقل، بین همه انسان‌ها مشترک است و مختص دین خاصی نیست. بدین رو می‌توان گفت باور به



منجی موعود (مهدویت) فصل مهمی از خواسته‌های بشر است که انسان‌ها به رغم داشتن ادیان و مذاهب مختلف، رو سوی آن دارند؛ زیرا این باور تبلور الهام فطری است که مردم از دریچه آن، با وجود دیدگاه‌های مختلف و نگرش‌های متفاوت عقیدتی، روز موعود را می‌بینند. این تحقیق در صدد است روش عقلی و نقلی آموزه مهدویت را با تأکید بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی با رویکرد کیفی و روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار دهد و از این رهگذر، به این سوال اصلی که مهم‌ترین روش‌های عقلی و نقلی اثبات آموزه مهدویت از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی کدام است؛ پاسخ داده شود.

از لحاظ پیشینه‌شناسی، مهم‌ترین اثری که در این خصوص و با ملاحظه مباحث مهدویت به سامان رسیده کتاب «روش‌شناسی مهدویت پژوهی» است که توسط آقای حسین الهی‌نژاد نوشته شده است. گرچه این کتاب به مباحث روش‌شناسی به عنوان علم درجه دوم نظر دارد؛ اما به مناسبت‌هایی به روش فطری، عقلی و نقلی نیز پرداخته است (الهی‌نژاد، ۱۳۹۸: ص ۵۶). گفتنی است که تاکنون کاری پژوهشی در مورد روش عقلی و نقلی آموزه مهدویت و انتظار با تأکید بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی صورت نگرفته است. این نوشتار بعد از تبیین مفاهیم و اصطلاحات، در دو گفتار سامان یافته است. مهم‌ترین مسئله پژوهش پیش‌رو تبیین روش‌ها و ظرفیت‌های عقل و نقل برای اثبات آموزه مهدویت از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی است و هدف از آن، تبیین مستدل آموزه مهدویت و انتظار و دفاع منطقی از آن و تبیین ظرفیت‌های عقلی و نقلی این آموزه از منظر ایشان است.

مفاهیم و اصطلاحات

الف) روش

واژه «روش» در لغت به معانی مختلفی چون راه، شیوه و سبک آمده (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۸، ص ۱۰۹۴)؛ به رفتن نیز معنا شده است (عمید، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۱۶۹۰). در اصطلاح، روش هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است. روش ممکن است به مجموعه راه‌هایی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند؛ مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند



و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند؛ اطلاق شود (ساروخانی، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۲۴). به عبارت دیگر، روش «مسیری است که برای تحصیل معرفت طی می‌شود» (پارسانیا؛ ۱۳۸۹: ص ۱۴۱). بنابراین، به راه‌ها و اسلوب‌هایی که برای اثبات چیزی به کار می‌روند، روش می‌گویند و حسب موارد دارای اختلاف است؛ مانند روش عقلی، روش شهودی و روش نقلی. به کار گرفتن روش برای اثبات و توجیه چیزی دانش درجه اول است؛ اما اگر خود روش‌ها را بخواهیم بررسی کنیم، در این صورت آن دانش درجه دوم است که از آن به «روش‌شناسی» تعبیر می‌شود. «روش عقلی را روش استدلالی و قیاسی و برهانی نیز می‌گویند و به علومی که اغلب با این روش سرکار دارند، علوم عقلی گفته می‌شود» (الهی‌نژاد، ۱۳۹۸: ص ۴۳-۴۴). در روش نقلی با علومی چون تاریخ و حدیث سر و کار داریم. «روش اصلی این‌گونه از علوم، سماع از گذشتگان و اعتماد بر اسناد تاریخی است» (همان، ص ۴۴).

بنابر این، منظور از روش عقلی، اثبات مهدویت و انتظار، عبارت است از راه‌ها و اسلوب‌هایی که به طریق عقلی برای اثبات مهدویت از آن‌ها بتوان کمک گرفت؛ به گونه‌ای که آن راه‌ها و اسلوب‌ها در شناخت و توجیه‌پذیری مهدویت با واقع، و به جنبه حکایت‌گری آن با واقع تأکید دارند. از منظر آیت‌الله صافی‌گلپایگانی اعتقاد به مهدویت بر مبانی صحیح و معقول و مستحکمی مبتنی است که این عقیده را از هرگونه تشکیک مصون و آن را غیر قابل خدشه کرده است (صافی‌گلپایگانی، ۱۳۹۳: ص ۲۳). منظور از روش نقلی مهدویت، اعتماد بر علوم نقلی است که به علت وحی بودن و یا به دلیل این که سخن معصوم است؛ برای ما حجیت دارد. بنابراین، آیاتی از قرآن کریم که با کمک روایات به مهدویت تأویل برده شده‌اند و روایاتی که در منابع و متون اسلامی در مورد مهدویت آمده‌اند و نیز استدلال به آن‌ها را «روش نقلی» می‌گویند.

ب) مهدویت

«مهدویت» از واژه مهدی گرفته شده و از نظر لغت یا مصدر صناعی است و یا صفتی منسوب از مهدی است (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۴۶، ص ۱۷۶). یعنی این واژه دو گونه استعمال می‌شود: یکی به صورت مصدر صناعی با این توضیح که هر وصفی که «یای» مشدد و «تا» (تیت) به آن اضافه شود، به مصدر تبدیل می‌شود؛ مانند عالمیت و حاکمیت. مهدویت همان کلمه «مهدی» است که



«یای مشدد» و «تا» به آن اضافه شده و به صورت مصدر صناعی درآمده است؛ یعنی مهدوی بودن. «مهدی» در لغت به هدایت کرده شده، معنا شده است (همان، ص ۱۷۷).

«مهدویت» در اصطلاح یعنی اعتقاد به وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور آن حضرت. این باور از جمله معتقدات اصولی مذهب شیعه اثنا عشری است. اعتقاد به مهدویت و انتظار در فرهنگ تشیع از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از منظر حضرت آیت الله صافی گلپایگانی «مهدی» لقب موعود آخرالزمان است، که در احادیث معتبر، نسب و اوصاف او مورد اشاره قرار گرفته است. لقب «مهدی» به این معنا است که او مورد هدایت خدا قرار گرفته و با ظهورش زمین را از عدل و داد لبریز خواهد کرد. این لقب، اولین بار در مورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عنوان شده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۴، ص ۹۴-۹۵). در واقع:

خلاصه و حقیقت مهدویت، این است که جوامع مختلف در جهان به سوی جامعه واحد در حرکت اند که با تحقق آن، حکومت حق و عدل تشکیل خواهد شد و باطل و جنود شیطان و مستکبران نابود می‌شوند و مستضعفان نجات پیدا می‌کنند و با رهبری یک انسان الهی مؤمنان و شایستگان به خلافت می‌رسند و در نتیجه سعادت، امنیت و رفاه عمومی فراگیر می‌شود (همان، ۱۳۹۳: ص ۲۵).

ج) انتظار

«انتظار» در لغت به معنای ترقب و توقع چیزی داشتن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۴۲۴) و چشم به راه بودن چیزی است؛ و در تعریف اصطلاحی، انتظار عبارت است از حالت قلبی و روحی که موجب آمادگی فرد برای چیزی که در انتظارش است، حکایت می‌کند (موسوی اصفهانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۵۲). یعنی انتظار حالت روحی و از سنخ معرفت وجدانی است که از آمادگی شخص منتظر برای امری که چشم به راهش است؛ حکایت می‌کند. «منتظر» کسی است که در خود آمادگی لازم را برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ایجاد می‌کند. این آمادگی باعث می‌شود تا وی از حالت روحی مناسبی برخوردار باشد و با تلاش و مجاهدت خود را برای رسیدن به آینده‌ای روشن آماده نگه دارد.

در واقع بشر در زندگی اجتماعی و فردی، مرهون نعمت انتظار است؛ و اگر از انتظار بیرون بیاید



و امیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت و بی‌هدف و بی‌مقصد می‌شود. حرکت و انتظار قرین یکدیگرند و از هم جدا نمی‌شوند. انتظار علت حرکت و تحرک بخش است. آنچه مورد انتظار است، هرچه مقدّس‌تر و عالی‌تر باشد، انتظارش نیز ارزنده‌تر و مقدّس‌تر خواهد بود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۲، ص ۵۲).

بر این اساس، نشستن و تسلیم بودن و کناره‌گیری کردن و تماشاگر صحنه‌های تباهی و فساد و فقر و انحطاط اخلاقی شدن، هرگز در اسلام جایز نیست و بر مسلمان منتظر و مؤمن و متعهد روا نمی‌باشد و با انتظار ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و فلسفه انتظار موافقت ندارد (همان، ص ۳۱). از این رو «انتظار مصلح آخرالزمان و مهدی موعود، علاوه بر ریشه‌های استوار مذهبی و اسلامی، دارای عالی‌ترین فلسفه اجتماعی است» (همان، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۴۴).

در نتیجه «اسلام که تعلیمات و هدایت‌هایش بر اساس فلسفه‌های عمیق و صحیح اجتماعی و واقعی قرار دارد؛ اصل انتظار و نگاه به سوی آینده را، پشتوانه بقای جامعه مسلمان و محرک احساسات و مهیج روح فعالیت و اقدام قرار داده است؛ و انتظار آینده بهتر و عصر فتح و گشایش و فرج را برترین اعمال شمرده است» (همان، ص ۵۴).

بر این اساس، «انتظار، از سنخ لفظ و گفتار صرف نیست؛ بلکه عمل است، حرکت است، نهضت و مبارزه و جهاد است، صبر و شکیبایی و مقاومت است» (همان، ص ۶۴).

گفته شد که آموزه مهدویت دارای ظرفیت‌هایی است که هم از راه عقل قابلیت دفاع را دارد و هم از راه نقل می‌توان آن را اثبات کرد. از این رو مقاله حاضر در صدد تبیین روش عقلی و نقلی آموزه مهدویت در آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی است. برای تحقق این مطلب: ۱. ظرفیت‌های عقل برای اثبات مهدویت و تبیین روش عقلی آموزه مهدویت؛ ۲. ظرفیت‌های دلیل نقلی بر اثبات مهدویت و تبیین روش نقلی؛ دو گفتاری است که در این مقاله به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

گفتار اول: روش عقلی آموزه مهدویت

«عقل» یکی از منابع مهم معرفت به‌شمار می‌رود. از این رو، در معرفت بشری از جایگاه مهمی برخوردار است و یکی از ابزارهای مهم آن به حساب می‌آید. عقل در واقع نیروی ادراکی است که



با کمک قوای دیگر یا بدون کمک آن‌ها مفاهیم کلی می‌سازد و آن‌ها را درک می‌کند و به تحلیل یا تجزیه مفاهیم می‌پردازد. طبق این تعریف، عقل قوه‌ای از قوای نفس است. «عقل قوه یا نیرویی ادراکی است که با آن می‌توان حقایق را به‌نحو کلی درک کرد و به شناخت آن‌ها دست یافت» (حسین زاده، ۱۳۸۶: ص ۱۳-۱۴).

شناخت عقلی آموزه مهدویت و انتظار در منظومه فکری امامیه دارای اهمیت بسیاری است. در واقع «معقول بودن» و «خردپسند بودن» برای شناخت هر فکر، اصل و آغاز کار است؛ به این معنا که عقل، امکان آن را بپذیرد و نتواند آن را به‌طور جزم انکار کند و امکان آن را غیر عقلایی بداند. این قانون در تمام مسائل علمی و غیرعلمی جریان دارد که اول باید از منظر عقل امکان آن پذیرفته شود و احتمال واقعیت داشتن یا واقعیت یافتن آن مردود نباشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷: ج ۱، ص ۳۲).

بر این اساس، عقل نیز یکی از روش‌های اثبات منجی موعود (مهدویت) به‌شمار می‌رود؛ یعنی از راه عقل نیز می‌توان بر ضرورت وجود منجی موعود و مهدویت، استدلال کرد. مبنای عقل وابسته به دین خاصی نیست و در همه ادیان و مذاهب مختلف قابل طرح و گفت‌وگو است؛ زیرا «انسان بما هو انسان» با عقل خویش می‌تواند بدان دسترسی داشته باشد. از این‌رو باید گفت «اصالت عقیده به مهدویت به‌گونه‌ای است که هر عاقلی امکان آن را تصدیق می‌کند و هیچ خردمندی آن را رد نمی‌کند و شک و تردید را در آن جایز نمی‌داند. هیچ‌کس نمی‌تواند در اصالت مهدویت از این لحاظ ایرادی بگیرد. این اصالت برای مسئله مهدویت و ظهور مصلح آخرالزمان، در بین ملت‌ها و امت‌ها و مسلمین، مسلم و ثابت است (همان، ج ۴، ص ۳۴).

پس از این که ثابت شد وجود منجی موعود (مهدویت) از منظر عقل، امری ممکن است؛ حال باید دید که آیا منجی مذکور می‌تواند در دنیای خارج واقعیت هم پیدا کند یا نه؛ زیرا ممکن است یک موضوع، امکان وجود داشته باشد و عقل هم امکان آن را رد نکند؛ اما نتواند واقعیت پیدا کند. بنابراین، لازم است امکان واقعیت یافتن منجی موعود با کمک عقل مورد بررسی قرار داده شود. در واقع عقل به عنوان مبنا و اصل و پایه‌ای است که اندیشه منجی موعود می‌تواند بر آن استوار باشد. گفتنی است که عقل به عنوان یکی از روش‌های معرفت آموزه مهدویت، همانند فطرت اصل وجود منجی را می‌تواند اثبات کند؛ اما مصداق و فرد مشخص آن را باید از راه نقل

شناخت. حال باید دید که عقل از چه ظرفیت‌هایی برای باور به منجی موعود (مهدویت) برخوردار است؟ در پاسخ به این پرسش، در ادامه به مهم‌ترین ظرفیت‌های عقل در اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی بر ضرورت وجود منجی اشاره می‌شود:

۱. ظهور منجی موعود و هدف‌مندی تاریخ

«هدف‌مندی تاریخ» یکی از مباحث مهم فلسفه تاریخ محسوب می‌شود و مباحث مرتبط با فلسفه تاریخ از راه عقل قابل دفاع است. از این‌رو هدف‌مند دانستن تاریخ را می‌توان از روش‌های عقلی بر اثبات چیزی دانست که مورد توجه است. بر اساس آن، تاریخ دارای هدف، غایت و معنای مشخصی است که در پرتو آن، بشر باید به اوج سعادت و کمال مادی و معنوی خود برسد. طبق وعده‌ای که ادیان به ظهور «منجی موعود» داده‌اند، در حقیقت ظهور منجی موعود موجب کمال مادی و معنوی بشر خواهد بود. بنابراین، هدف‌مندی تاریخ را می‌توان توجیه‌کننده وجود منجی موعود دانست و دلیلی بر آن به حساب آورد.

از این‌رو، اعتقاد به ظهور منجی موعود، اعتقادی جهانی است و تنها در شعاع زندگی قوم و ملت و منطقه و نژاد مخصوصی نیست؛ بلکه شعاع زندگی تمام بشر مورد نظر است و «مربوط به این است که یک منجی و مصلح ظهور کند و تمام اوضاع زندگی بشر را در جهت صلاح و سعادت دگرگون نماید» (مطهری، ۱۳۸۸: ج ۳، ص ۳۵۶).

در واقع اعتقاد به مهدویت گویای فلسفه بزرگ جهانی است. بر اساس این تلقی، با ظهور منجی موعود، دوره‌ای فرا می‌رسد که واقعاً در آن دوره معرفت، عدالت، صلح، انسانیت و معنویت حکومت خواهد کرد و اگر چنین دوره‌ای در سیر حرکت تاریخی بشر پیش نیاید، با حکمت الهی ناسازگار خواهد بود؛ زیرا بر اساس حکمت الهی، انسان به عنوان اشرف مخلوقات آفریده شده و لذا لازم است در سیر حرکت خویش به دوره بلوغ و تعالی خودش برسد که از آن دوره، به دوران ظهور تعبیر می‌شود. از این لحاظ همه ادیان راجع به منجی موعود (مهدویت) پیش بینی می‌کنند که با ظهورش عدل کامل، صلح کامل، رفاه کامل، سلامت کامل و امنیت کامل برقرار خواهد شد. این همان پیش‌بینی تکامل تاریخ و تکامل بشر است؛ یعنی بر اساس آن، زندگی بشر در آینده به عالی‌ترین و کامل‌ترین زندگی‌ها منتهی خواهد شد (همان، ج ۱۵،



ص ۱۷۸).

با توجه به این تلقی از تاریخ، از منظر آیت الله صافی گلپایگانی:

خلاصه و حقیقت مهدویت این است که جوامع مختلف به سوی جامعه‌ای واحد در سیر و حرکت هستند که در آن جامعه سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی، حکومت حق و عدل جهانی استقرار می‌یابد و با پیروزی حق بر باطل، و جنود «الله» بر جنود «شیطان» مستکبران نابود می‌شوند و مستضعفان به پیروزی می‌رسند و با رهبری یک انسان الهی مؤمنان و شایستگان به خلافت می‌رسند. این محتوا و این هدف و این پایان و عاقبت، مطلوب هر فطرت و خواسته وجدان هر انسان است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷: ج ۴، ص ۳۷).

طبق این بیان، چون با پیروزی حق بر باطل و جنود الهی بر جنود شیطان زمینه‌های سعادت و کمال برای بشر فراهم می‌آید، از این رو به تعبیر آیت الله صافی گلپایگانی باور به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجب استقرار حکومت حق در زمین می‌شود و در سایه آن انسان‌ها به سعادت خواهند رسید و این، در واقع بیانگر هدفمندی برای تاریخ است.

بر پایه این تلقی، آیت الله صافی گلپایگانی معتقد است:

ملل و امم مختلف اجماع دارند بر این که پایان جهان قرین با پیروزی حق و سعادت عمومی خواهد بود و ظلمت‌ها و تاریکی‌ها به روشنایی مبدل خواهند شد (همان، ج ۴، ص ۴۰). بر اساس این باور «تمام ادیان آسمانی به پیروان خود عصر درخشان، سعادت عمومی، آینده مشعشع، صلح جهانی و دوران پرخیر و برکتی را نوید داده‌اند که در آن، نگرانی‌ها و دلهره‌ها و هراس‌ها، مرتفع می‌شوند و به یمن ظهور شخص بزرگ و مردی خدایی که به تأییدات الهی مؤید است، در روی زمین، منطقه‌ای باقی نمی‌ماند، مگر آن که بانگ دل‌نواز توحید در آن بلند شود و روشنایی یکتاپرستی، تاریکی شرک را نابود می‌سازد و علم و عدل و راستی و امانت همه جا را فرا خواهد گرفت (همان، ص ۴۳).

در نتیجه بر اساس هدفمندی تاریخ و تکامل آن، با تحقق ظهور، حکومت جهانی تشکیل می‌شود و با برقراری عدالت، زمینه‌های لازم برای سعادت عمومی نیز فراهم خواهد آمد. از این رو هدفمندی تاریخ یکی از دلایل اثبات اندیشه منجی موعود است که در اسلام از آن به آموزه



«مهدویت» تعبیر شده است. بنابراین:

الف) تاریخ هدف مند است؛ ب) هدف مندی تاریخ در گرو تأمین سعادت و کمال برای بشر تحقق می‌یابد؛ ج) با ظهور منجی موعود، سعادت و کمال واقعی برای بشر رقم خواهد خورد. در نتیجه هدف مندی تاریخ مقتضی ظهور منجی خواهد بود. پس هدف مندی تاریخ را می‌توان یکی از دلایل عقلی بر عقیده منجی موعود برشمرد که تأییدی بر مبنای عقلی بودن اندیشه منجی موعود است.

۲. محال بودن غلبه همیشگی یا اکثری ظلم و ستم در جهان

مطالعه حیات بشر و زندگی انسان‌ها نشان می‌دهد که تاکنون ظلم و ستم در جوامع بشری حکم فرما بوده و انسان‌ها تحت ظلم و ستم بوده‌اند. از طرفی بر اساس دلیل عقلی، غلبه همیشگی ظلم و ستم امری محال؛ زیرا حاکمیت همیشگی ظلم و ستم بر خلاف مسیر جهان هستی و بر خلاف مشیت الهی است؛ چه این‌که بر اساس دلیل عقلی محال بودن «قسر»^۱ دائم، خواست خداوند بر این است که در سایه وجود عوامل لازم، زمینه‌های ظهور و بروز استعداد‌های انسانی و کمال برای انسان فراهم شود و این با حاکمیت مطلق و همیشگی ظلم و ستم بر زمین ناسازگار خواهد بود. بنابراین، ظلم و ستم نمی‌تواند برای همیشه در جهان حاکم و بر آن غلبه داشته باشد؛ زیرا بر اساس حکم عقلی محال بودن قسر دائم و یا قسر اکثری؛ قسر انسانیت در تمام عمر یا در اکثریت عمرش تحت ظلم و ستم، محال خواهد بود. بنابراین، طبق حکم عقل، روزگاری باید فرا برسد که ظلم و ستم دیگر بر جامعه بشری غلبه نداشته باشد و این دیدگاه با ظهور منجی موعود تحقق پیدا خواهد کرد که در روایات اسلامی از آن به حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه تعبیر شده است. بر اساس این دیدگاه خط سیر این عالم و جامعه بشری به گونه‌ای ترسیم شده است که دادگستر عالم و رهبر حکومت عدل جهانی باید قیام کند

۱. «قسر» در اصطلاح به معنای منع کردن و ممنوع کردن چیزی از اثر طبیعی خودش است؛ مثلاً اثر طبیعی آتش سوزاندگی است؛ حال اگر چیزی جلو سوزاندگی آتش را بگیرد و نگذارد آن بسوزاند این را قسر گویند و عقلاً امری محال است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۳۱۳).

و جهان را از ظلم و ستم ظالمان و ستمگران نجات دهد. «تا این دادگستر بزرگ و رهبر حکومت عدل جهانی قیام نکرده است، بشر باید منتظر ظهور او باشد و بداند که جهان محکوم ظلم ستمگران و فساد اهریمنان نیست و سرانجام همه تباهی‌ها و نگرانی‌ها به راحتی و امنیت و آسایش مبدل می‌شود و مستکبران و مفسدان ریشه‌کن می‌گردند. همه چشم به راهند و همه منتظرند» (همان، ص ۶۹).

بر پایه این تصویر، مردم زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پذیرش دعوت آن حضرت آمادگی لازم را خواهند داشت؛ زیرا مردمی که از ظلم و ستم و خود خواهی ستمکاران به ستوه آمده باشند؛ به‌طور قطع دعوت خدایی و بانگ گوش‌نواز توحیدی را که بر اساس عدالت و الغای امتیازات است قبول می‌کنند و دنیای منقلب و ناآرام آن روز را آرام و مردم را چنان به آینده درخشان و پر از خیر و رحمت و برکت امیدوار می‌کند که در سریع‌ترین فرصت، همه به دین اسلام خواهند گروید و آمادگی خود را برای قبول سازمان الهی اسلامی محکم و پایدار، تحت سرپرستی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اعلان خواهند کرد (همان، ج ۲، ص ۳۹۳).

بنابراین: الف) غلبه همیشگی و یا اکثری ظلم و ستم بر خلاف مسیر طبیعت جهان هستی است؛ ب) قسر دائم یا حد اکثری محال است. در نتیجه باید روزی فرا برسد که جهان از ظلم و ستم نجات پیدا کند. منجی موعود در ادیان و مهدویت در اسلام تحقق بخش آن روز است که با ظهور منجی موعود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظلم و ستم از جهان برچیده خواهد شد. پس محال بودن غلبه همیشگی و اکثری ظلم و ستم در جهان را می‌توان یکی از دلایل عقلی بر عقیده منجی موعود برشمرد که تأییدی بر مبنای عقلی بودن اندیشه منجی موعود است.

۳. محال بودن غلبه همیشگی یا اکثری شهوات بر عقل

مطالعه زندگی انسان، گویای آن است که تا کنون انسان‌ها همواره مقهور شهوات و قوای نفسانی بوده‌اند و از حکومت عقل در جوامع بشری خبری نیست. قوای شهوانی و نفسانی نیز انسان را به‌سوی تجاوزگری و خودکامگی و بدی‌ها سوق می‌دهد و به تعبیر قرآن کریم: ﴿وَمَا أْبْرِيْ نَفْسِيْ اِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوْءِ﴾؛ نفس انسان همواره او را به بدی‌ها امر می‌کند» (یوسف: ۵۳). از طرفی بر اساس دلیل عقلی، غلبه همیشگی شهوات امری محال است؛ زیرا

حاکمیت شهوات بر خلاف مسیر جهان هستی و بر خلاف مشیت الاهی است. طبق این ادعا، حاکمیت همیشگی شهوات بر خلاف مسیر جهان هستی و بر خلاف مشیت الاهی است؛ زیرا بر اساس دلیل عقلی محال بودن قسر دائم، خواست خداوند بر این است که در سایه وجود زمینه‌های لازم، استعداد‌های انسانی بروز یابد و این با حاکمیت مطلق و همیشگی شهوات بر زندگی انسان ناسازگار خواهد بود. بنابراین، شهوات نمی‌توانند برای همیشه در جهان حاکم و بر آن غلبه داشته باشند.

بنابراین، شهوات و بدی‌ها نمی‌توانند برای همیشه در جهان حاکم و بر آن غلبه داشته باشند؛ و این، در واقع، به اقتضای طبیعی عقل در وجود انسان می‌باشد. از طرف دیگر، قسر دائم و یا اکثری عقلا محال است. پس باید روزی فرا برسد تا عقل بشر از اسارت و بردگی قوای نفسانی نجات یابد و رسالت خویش را به نحو اتم و اکمل به انجام رساند.

ادیان الاهی، ظهور منجی موعود را برای چنین روزی وعده داده‌اند. این وعده در اسلام در قالب آموزه مهدویت و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داده شده است.

انسان هنوز دوره جوانی و ناپختگی را طی می‌کند و خشم و شهوت بر او و عقل او حاکم است. انسان در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می‌رود. آینده‌ای بس روشن و سعادت بخش در انتظار بشریت است. این نظریه الهامی است که از دین برمی‌خیزد. نوید مقدس قیام و انقلاب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در اسلام در زمینه این الهام است (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۴، ص ۴۳۵).

از منظر آیت الله صافی گلپایگانی با قیام و انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بساط هرگونه جهل، نادانی و خودسری از جامعه بشری برچیده می‌شود و با تشکیل حکومت عدل جهانی، علم و دانش، عدالت‌گستری، حق‌پروری و برادری بر جامعه بشری حکم‌فرما خواهد شد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷: ج ۴، ص ۳۵۸).

از این رو، خلاصه بشارت ظهور آن است که در زمانی که جهان از ظلم و جور، جهل و خودسری، زورگویی، استکبار، استعلا و استضعاف پر شده باشد؛ به امر خدا صالح‌ترین بندگان خداوند، ظاهر می‌شود و عالم را از عدل و داد پر می‌کند (همان). بنابر این، عصر ظهور، عصر عقلانیت و حاکمیت ارزش‌های عقلانی و انسانی است. مردم در سایه رشد و کمال عقلانی به سعادت



خواهند رسید و شاید کمال عقل بشری که در عصر ظهور رخ می‌دهد و در روایتی^۱ بدان اشاره شده است؛ ناظر به این نکته بوده باشد و لذا:

الف) غلبه همیشگی یا اکثری شهوات بر عقل بر خلاف مسیر طبیعت جهان هستی است؛ ب) قسر دائم یا حد اکثری محال است. در نتیجه باید روزی فرا برسد که عقل از قیود شهوات نجات پیدا کند. منجی موعود در ادیان و مهدویت در اسلام، تحقق بخش آن روز است که با ظهور منجی موعود حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى سلطه و غلبه شهوات از گردن عقل برداشته خواهد شد.

گفتار دوم: روش نقلی آموزه مهدویت

«نقل» در کنار عقل، یکی دیگر از منابع معرفت به‌شمار می‌رود؛ و یکی از ابزارهای شناخت به حساب می‌آید. منظور از دلیل نقلی، گفته‌ها یا نوشته‌های دیگران است که به آن‌ها استناد می‌کنیم. «در واقع بسیاری از افعال، تصمیم‌ها، معرفت‌ها و باورهای ما بر خبرهایی مبتنی است که از دیگران کسب می‌کنیم» (حسین‌زاده، ۱۳۹۰: ص ۴۰۷-۴۰۸). در معرفت نقلی برای تأیید خبر، مؤلفه‌هایی چون اعتبار راوی از لحاظ ثقه بودن و ضابط بودن شرط است.

شناخت نقلی آموزه مهدویت و انتظار در منظومه فکری امامیه از اهمیت بسیاری برخوردار است و بسیاری از ویژگی‌ها و خصوصیات این آموزه با دلیل نقلی به اثبات می‌رسد. گفته شد با دلیل عقلی اصل وجود منجی موعود اثبات می‌شود و از این دو راه نمی‌توان مصداق آن را به اثبات رساند؛ اما با دلیل نقلی مصداق و فرد مشخص منجی موعود به اثبات می‌رسد؛ زیرا «وقتی عقل امکان وجود چیزی را تصدیق کرد یا بر اثبات امتناع آن راهی نیافت، با دلیل نقلی معتبر، باور آن جایز، بلکه به حکم عقل لازم است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۳، ص ۱۸).

با این که اصل ضرورت وجود امام با دلیل عقلی قابل اثبات است؛ برخی از آثار و فواید وجود

۱. در روایت از امام باقر ع آمده است: «وقتی قائم ما قیام کند خداوند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و به واسطه آن، عقول مردم جمع می‌شود و به کمال می‌رسد: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بَيْنَ عُقُولِهِمْ وَ كَمَلَتْ بِهِمْ أَخْلَاقُهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۵). ملا صالح مازندرانی در شرح این حدیث می‌گوید: «والمراد بکمال أخلاصهم کمال عقل کل واحد واحد بحيث ينقاد له القوة الشهوية والغضبية و يحصل فضيلة العدل في جوهر البدن، و الأمران يتحققان في عهد صاحبنا ع...» (ملا صالح مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۳۹۹).

امام و امتیازات او، فقط با دلیل نقلی به اثبات می‌رسد؛ همان‌گونه که این آثار و خواص برای پیامبر نیز از راه دلیل نقلی اثبات می‌شود (همان، ج ۴، ص ۷۳). بر این اساس، ایمان به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از جمله مطالب غیبی است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از آن خبر داده و تصدیق آن حضرت نیز واجب است. از این رو وقتی که آن حضرت از چیزی خبر می‌داد، هیچ‌یک از مسلمانان در راستی گفتار و درستی اخبار ایشان شک و تردید نمی‌کرد و همه، آن را می‌پذیرفتند (همان، ج ۳، ص ۱۹). بنابراین، بر اساس آموزه‌های اسلامی و روایات منقول از معصومان علیهم السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان مصداق و فرد مشخص منجی موعود معرفی شده است. مؤید این سخن، روایات بسیاری هستند که مذاهب اسلامی، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه نقل کرده‌اند.

در واقع، دلیل نقلی به عنوان مبنا و اصل و پایه‌ای است که باور به مهدویت می‌تواند بر آن استوار باشد. در ادامه به مهم‌ترین ظرفیت‌های دلیل نقلی در اندیشه حضرت آیت الله صافی گلپایگانی برای اثبات مهدویت و انتظار اشاره می‌شود:

۱. باور به مهدویت مصداقی از مصادیق ایمان به غیب

بعد از این که وجود خدای متعال با دلیل فطری و عقلی اثبات شد، همه متعلقات مربوط به این مقوله را می‌توان با دلیل نقلی معتبر پذیرفت. ایمان به غیب یکی از آن امور است که با دلیل نقلی قابل اثبات است. طبق این اصل، آیت الله صافی گلپایگانی معتقد است که ادیان آسمانی شرط قبول اعمال صالح را ایمان به غیب دانسته و ایجاد تعادل اخلاقی و تکامل فضایل انسانی را به آن وابسته می‌دانند. بر این اساس، در قرآن کریم، اخبار از امور غیبی به وفور دیده می‌شود. علاوه بر آن، از سوی پیغمبر و ائمه طاهرين علیهم السلام اخبار غیبی متعددی در مورد آینده مطرح شده که از حدّ تواتر گذشته و معتبرترین مدارک و اسناد تاریخی بر آن دلالت دارند. در واقع لازمه ایمان به نبوت پیغمبر و صحت و درستی خبرهای غیبی آن حضرت و باور به عصمت معصومان؛ موجب می‌شود اخبار آن بزرگواران را قبول کنیم و در آن‌ها شک و تردید نداشته باشیم.

در این زمینه ایمان به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مصلح آخرالزمان، از جمله اخبار غیبی است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از آن خبر داده است. این اخبار در منابع و متون اسلامی، اعم

از منابع شیعه و اهل سنت ملاحظه می‌شوند. در این زمینه از رسول خدا ﷺ چنین نقل شده است:

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَوَلَدِي الْمُهْدِيُّ ... وَ تَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ؛ به خدایی که من را به حق مبعوث کرده است، قسم که اگر از عمر دنیا یک روز بیش تر نماند؛ خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا فرزندم مهدی خروج کند و ... با خروج او زمین به واسطه نورش روشن می‌شود و حاکمیت و سلطنت او مشرق تا مغرب را فرا خواهد گرفت» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۸۰ و ابن حنبل، ۱۴۱۶: ج ۱۷، ص ۴۱۶).

خصوصیات و نشانه‌های این ظهور را نیز شرح داده‌اند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ص ۱۹-۲۵). بنابراین، از منظر آیت الله صافی گلپایگانی باور به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به عنوان خبر غیبی که در روایات اسلامی بدان اشاره و تأکید شده است؛ از مظاهر ایمان به غیب است که به عنوان دلیل نقلی می‌تواند در توحیه و تفسیر آموزه مهدویت و انتظار دخیل باشد. از این رو ایمان به غیب را که در منابع و متون دینی آمده است، می‌توان از جمله دلایل نقلی بر مهدویت و انتظار به‌شمار آورد و بر آن تطبیق کرد.

۲. باور به مهدویت مصداقی از مصادیق اخبار از آینده

پیشگویی و اخبار از حوادث آینده به عنوان دلیل نقلی، یکی دیگر از اموری است که می‌تواند در معرفت‌بخشی نسبت به آموزه مهدویت و انتظار نقش داشته باشد. در قرآن کریم از حوادث آینده به عنوان امور غیبی، بسیار سخن گفته شده است؛ مانند خاموش شدن خورشید، فوران دریاها، صاف شدن کوه‌ها و خروج دابة الارض. یعنی روزی خواهد آمد که این حوادث که قرآن کریم از آن‌ها خبر داده است؛ واقع خواهند شد. ظهور منجی و مصلح جهانی که با ظهورش اسلام دین فراگیر جهانی خواهد شد، نیز از اخباری است که از آینده خبر داده‌اند. این اخبار از لحاظ سند و دلالت قابل‌خدشه نیستند؛ زیرا به صورت متواتر نقل شده و در معتبرترین مدارک و اسناد تاریخی آمده‌اند و دلالت روشن و واضحی بر ظهور دارند.

طبق این اصل، آیت الله صافی گلپایگانی معتقد است بر حسب بشارت قرآن و روایاتی که از آینده خبر داده‌اند، جهان به سوی دوران ظهور حجت‌الاهی و حکومت عدل جهانی در حرکت



است (همان، ۱۳۹۷: ج ۴، ص ۳۶۳).

از دیدگاه ایشان، باور به ظهور از باورهایی است که در تاریخ اسلامی ریشه دارد. بر این اساس: یکی از اسلامی ترین مقبولات و باورهای مسلمین که از عصر رسالت تاکنون مسلمانان به آن دل بسته و ایمان داشته و دارند، ظهور شخصی الاهی در آخرالزمان است؛ شخصی که جهان را بر از علم و قسط و عدل نماید؛ چنان که از جهل و جور و ظلم پر شده باشد؛ شخصی که از برکت ظهورش ... قانون و نظام واحد در همه جا گسترش می یابد (همان، ص ۳۹۶-۳۹۷).

با توجه به اهمیت اصل آینده نگری در ارتباط با ظهور، آیت الله صافی گلپایگانی بحثی را با عنوان «آینده جهان در قرآن کریم» مطرح و به چند آیه استشهاد کرده است؛ مانند این آیه: ﴿يُرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾؛ می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند و خدا تمام کننده نور خویش است؛ هر چند کافران را خوش نیاید» (صف: ۸). موضوع انتظار حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى و ایمان به ظهور ایشان، مبنای این وعده الاهی است و با سنت الاهی و با وعده ای که در کتاب های آسمانی آمده، منطبق است. در قرآن مجید می فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ همانا در زبور، پس از ذکر- تورات نگاشتیم- که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند» (انبیا: ۱۰۵). شیعه و تمام مسلمانان بر اساس این عقیده سازنده و تحول آور، ایمان دارند که تاریخ در مسیر عدالت و به سوی عدالت جلو می رود و توقف نمی کند و زمین را بندگان صالح و شایسته خدا به ارث می برند. و سرانجام حق در همه جا حاکم و پیروز می شود، و این سنت و قانون خدا و خواست او است که می فرماید: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ...﴾؛ ما خواسته ایم که منت گذاریم بر آنان که در زمین استضعاف شده اند...» (قصص: ۵). خدا چنین اراده کرده است که قدرت خود را به دست طبقه ضعیف آشکار کند و طبقه استثمارگر قوی و غالب و ظالم را به دست آنان که استضعاف شده اند، مغلوب کند. بر این اساس با انقلاب مستضعفان شایسته و پرهیزکاران مجاهد، نظام و عدالت، حاکم و برقرار می شود. این عقیده از نظر اجتماعی، بسیار مهم و انقلابی و مترقی است و مردم را به کار و تلاش، قیام و فعالیت تشویق می کند و از سستی و ترک وظایف و تسلیم و زبونی و ذلیل شدن باز می دارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۲، ص ۳۵-).



۳۶). در نتیجه چنین اعتقاد و باوری به آینده، علاوه بر آن که خوشبینی و امیدواری را به دنبال دارد؛ موجب می‌شود جامعه منتظر الزامات اخلاقی و تعهدات دینی را در خود تقویت کند (همان، ۱۳۹۳: ص ۱۱۶). در نتیجه انتظار پویا در جامعه منتظر شکل می‌گیرد و عامل بقا و پایداری طرفداران حق و عدالت و اسلام خواهان حقیقی را در برابر تمام دستگاه‌های فشار، استعباد، جهل و شرک، پایدار نگه می‌دارد و همواره بر روشنی چراغ امیدواری منتظران و ثبات قدم و مقاومت آن‌ها می‌افزاید و آنان را در اجرای وظایف، شور و شوق و نشاط می‌دهد (همان، ۱۳۹۱: ج ۲، ص ۴۷). بنابراین، از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی در منابع و متون دینی، اعم از قرآن کریم و روایات به آینده درخشان وعده داده شده است. این وعده از جمله دلایل نقلی بر آموزه مهدویت و ظهور است.

۳. باور به مهدویت و اصلاح جهان

طبق وعده‌ای که کتاب‌های آسمانی، به خصوص قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم‌السلام داده‌اند، با برقراری عدل جهانی، حق بر باطل پیروز خواهد شد و اصلاح حقیقی جهان با حاکمیت مؤمنان و صالحان در آینده تاریخ اتفاق خواهد افتاد. این وعده از جمله دلایل نقلی بر مهدویت و ظهور است. طبق این اصل، وعده داده شده که بساط ظلم و فساد که بر بشر تحمیل شده است؛ برچیده می‌شود و آینده برای پرهیزکاران و زمین از آن شایستگان است: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ همانا زمین از آن خدا است و به هر کس از بندگان که بخواهد، به ارث می‌دهد و عاقبت از آن پرهیزکاران است» (اعراف: ۱۲۸). روشن است با حاکمیت پرهیزکاران در زمین، اصلاح واقعی صورت خواهد گرفت. بر این اساس، وعده حتمی و قطعی پیروزی حق و غلبه نهایی اهل حق بر اهل باطل و برقراری حکومت عدل جهانی که در کتاب‌های آسمانی، به خصوص قرآن کریم و احادیث رسول خدا و معصومان علیهم‌السلام داده شده است، تحقق خواهد یافت (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷: ج ۴، ص ۴۰۲).

با توجه به این نکته، آیت‌الله صافی گلپایگانی معتقد است حوادث و وقایعی که پیش می‌آیند، ناکامی‌هایی که نصیب بشر می‌شود و ظلم و ستم‌ها و جنایت‌هایی که بروز می‌کنند و جاهلیتی که به سوی فراگیری پیش می‌رود و نظام‌ها و حکومت‌های فاسدی که بر بشر مسلط می‌شوند؛



همه آن روز موعود را نوید می دهند (همان، ص ۳۶۳). که با ظهور منجی موعود در آن روز اصلاح نهایی صورت خواهد گرفت و بشر از ظلم و ستم و تاریکی ها، نجات خواهد یافت.

پس ما امروز وظیفه داریم که خصوصیات و امتیازات جامعه مهدوی و دولت کریمه الهی را به جهان معرفی کنیم؛ تا جهان تشنه عدل و مواسات و جهان خسته از ظلم، جنایات و قتل و خونریزی؛ خود را برای روزهایی آماده کند و امیدوار و منتظر وعده الهی برای برپایی حکومت عدل جهانی باشد (همان، ص ۴۶۱).

بنابراین، «یکی از اسلامی ترین مقبولات و باورهای مسلمین که از عصر رسالت تاکنون مسلمانان به آن دل بسته و بدان ایمان دارند؛ این است که شخصی الهی در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و قسط می کند؛ همان طور که از جهل و جور و ظلم پر شده باشد» (همان، ص ۴۶۳-۴۶۴).

از دیدگاه آیت الله صافی گلپایگانی، سرخوردگی مردم از وضع موجودشان موجب خواهد شد گرایش مردم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه افزون گردد. یعنی غیر از عوامل غیبی که در پیروزی ایشان دخیل است؛ «از لحاظ اسباب، و علل ظاهری هم اگر موضوع را بررسی کنیم، فتح و غلبه و تشکیل آن حکومت الهی ممکن و عملی خواهد بود؛ زیرا آن حضرت در موقعی ظهور می کند که اوضاع و احوال اجتماعی و اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد باشد» (همان، ج ۲، ص ۳۹۰)؛ زیرا مردم از مکاتب و ایدئولوژی ها و نظام های سیاسی مدعی نجات بشر خسته و سرخورده شده اند و آمادگی لازم را برای پذیرش دعوت حق پیدا کرده و تشنه اصلاحات واقعی هستند. از این رو از منظر آیت الله صافی گلپایگانی نارضایتی بشر از اوضاع زمانه و سرخوردگی بشر از مکاتب مختلف، زمینه را برای پذیرش دعوت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه که برای اصلاحات واقعی قیام می کند؛ به خوبی آماده می کند؛ زیرا در آن زمان همه ملل از مدنیت معنوی و اخلاقی محروم می شوند و دشمنی و کینه و ظلم و تجاوز، همه را نسبت به یکدیگر بدبین و از هم جدا می کند و اتحاد، وحدت، همفکری و همکاری، به کلی از میان بشر رخت بر می بندد و از این که کسی بتواند بدون مدد غیبی جامعه را رهبری کند، همه ناامید می گردند و خلاصه، همه با هم در مبارزه و جنگ و ستیز و همه از وضع خود ناراضی، و از مکتب های مختلف که عرضه می شوند، ناامید می گردند و منتظرند تا اوضاعشان عوض شود. در چنین موقعیتی، حضرت و اصحابشان، با نیروی ایمان و اخلاق



حسنة و با نجات بخش ترین برنامه های عمرانی و اقتصادی و عدالت اجتماعی، برای انقلاب و دعوت به قرآن و اسلام، قدم به میدان می گذارند و آن نهضت و دعوت الهی را شروع می کنند و مردم را به سوی خدا و احکام خدا و زندگی برابری و برادری، عدل و امنیت، صفا و وفا، راستی و درستی و نظم صحیح، می خوانند و خود و اصحابش، نمونه همه فضایل بشری می باشند و با نیروی ایمان و استقامت و پشتکار و همتی که مخصوص مؤمنان ثابت قدم است، هدف و مقصد خود را تعقیب می کنند و فاتح و پیروز و موفّق می شوند (همان، ص ۳۹۰-۳۹۱).

در این زمینه آیت الله صافی گلپایگانی ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى را که موجب می شود تا اصلاحات لازم در زمین صورت بگیرد و به تشنگان جام حقیقت و عدالت، آب زلال معرفت و سعادت داده شود؛ به زنده شدن مجدد زمین تشبیه کرده و برای اثبات ادعای خود به آیه **﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾** (حدید: ۱۷) استشهاد کرده است.

بنابراین، از منظر آیت الله صافی گلپایگانی در منابع و متون دینی، اعم از قرآن کریم و روایات و عده داده شده که اصلاحات اساسی در زندگی بشر در عصر ظهور اتفاق خواهد افتاد؛ این وعده از جمله دلایل نقلی بر آموزه مهدویت و ظهور است.

۴. باور به مهدویت و غلبه و پیروزی دین حق

غلبه دین اسلام در آخرالزمان، یکی از مظاهر اخبار غیبی است که در منابع و متون دینی به آن تصریح شده است. این مطلب به عنوان دلیل نقلی، بر عصر ظهور تطبیق داده شده و از اموری است که می تواند در معرفت بخشی به آموزه مهدویت و انتظار نقش داشته باشد. در قرآن کریم در زمینه غلبه دین اسلام بر سایر ادیان بسیار سخن گفته شده است.

آیت الله صافی گلپایگانی از این آیات به عنوان دلیل نقلی متقن بر مهدویت و انتظار، استدلال کرده و با کمک از روایات و احادیث، آن ها را بر مهدویت تطبیق داده است. از منظر ایشان، اسلام از آغاز، این آینده درخشان را برای دنیا پیش بینی کرده و صریحاً در آیات و روایات وعده قطعی داده است و بشر را به انتظار چنین عصر و زمانی که همه در زیر پرچم اسلام درآیند و اهل یک دین و ملت و حکومت شوند، و به ظهور آن رهبر عالی قدری که جهان آینده را باید اداره و عالم را از عدل و داد پر کند؛ بشارت داده و او را به همگان معرفی کرده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱:



ج ۳، ص ۱۰۸).

این مطلب را از دلالت مطابقی و یا دلالت التزامی آیات قرآن کریم می توان استنباط کرد. در مواردی با تصریح به این مطلب می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ»؛ آن خدا کسی است که رسول خود را با هدایت و راهنمایی و دین حق [=دین اسلام] فرستاد، تا آن دین را بر همه دین ها غالب گرداند» (توبه، ۳۳؛ فتح: ۲۸ و صف: ۲۹). دلالت این آیات بر وعده غلبه دین اسلام بر تمام ادیان، واضح است. طبق احادیث، این غلبه با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم تحقق خواهد یافت و این وعده تخلف ناپذیر است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۴، ص ۸۴).

در مواردی نیز با استفاده از دلالت التزامی می توان این امر را اثبات کرد، مانند: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵). این آیه نیز دلالت دارد که زمین از آن خدا است و بندگان صالح او، آن را مالک خواهند شد. در این آیه، ضمن تأکید آشکار و روشن، وعده داده شده است که مؤمنان و صاحبان اعمال شایسته، مالک امور و خلیفه روی زمین می شوند. لازمه حاکمیت مؤمنان و صالحان، حاکمیت دین اسلام است (همان، ج ۳، ص ۱۰۸-۱۰۹).

علاوه بر آیات، احادیث و روایاتی که در منابع و مصادر معتبر شیعه و اهل سنت آمده و به طور متواتر نقل شده اند؛ دلالت روشنی دارند بر این که دین اسلام عالم گیر خواهد شد و در آن عصر، خانه ای نیست، مگر این که صبح و شام در آن صدای اذان و شهادت به توحید و رسالت بلند می شود. زمانی که انقلاب ها و فتنه ها و فساد و هرج و مرج و جنگ های خانمان برانداز، مردم را به ستوه آورده باشند؛ خداوند مصلح واقعی جهان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم را برانگیزد تا عالم را از عدل و داد پر کند و با تشکیل حکومت واحد جهانی، شرق و غرب جهان را خدا به دست آن حضرت بگشاید (همان، ص ۱۱۰).

بنابراین، از منظر آیت الله صافی گلپایگانی در منابع و متون دینی، اعم از قرآن کریم و روایات وعده داده شده است که دین اسلام در عصر ظهور، غلبه نهایی پیدا می کند. این وعده نیز از جمله دلایل نقلی بر آموزه مهدویت و ظهور است.



نتیجه‌گیری

آموزه «مهدویت» به عنوان موضوعی که مورد شناخت قرار می‌گیرد، از دو راه عقل و نقل قابل شناخت است. این دو روش، علاوه بر آن که اصل وجود آموزه مهدویت را اثبات می‌کنند؛ می‌توانند به جنبه مطابقت آن با واقع و حکایت‌گری آن از واقع، تأکید داشته باشند. از این رو هم اثبات اصل وجود مهدویت و هم مطابقت آن با واقع همواره مورد توجه عالمان و فرهیختگان اسلامی، به خصوص عالمان و اندیشمندان شیعی بوده است. آیت‌الله صافی گلپایگانی از جمله چنین عالمان پرتلاشی بوده که با نگارش کتاب‌های متعدد در صدد تبیین ابعاد مختلف اعتقادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آموزه مهدویت برآمده است و این آموزه را با دو روش عقلی و نقلی اثبات کرده و به جنبه حکایت‌گری آن با واقع تأکید داشته است. در حقیقت، عقل و نقل به عنوان منابع شناخت و معرفت، از مهم‌ترین منابع شناخت مهدویت به‌شمار می‌روند. لذا در مقاله پیش‌رو، دو روش عقلی و نقلی در خصوص شناخت مهدویت در آثار مختلف این عالم فرزانه مورد توجه قرار گرفته است.

در این پژوهش، در تبیین روش عقلی مهدویت، به ظرفیت‌های عقل برای اثبات مهدویت اشاره شده است که عبارتند از:

الف) ظهور منجی موعود و هدف‌مندی تاریخ؛ ب) محال بودن غلبه همیشگی یا اکثری ظلم و ستم در جهان؛ ج) محال بودن غلبه همیشگی یا اکثری شهوات بر عقل.

در نهایت، در تبیین روش نقلی مهدویت، چند دلیل نقلی عنوان شده است که عبارتند از: الف) باور به مهدویت مصداقی از مصداق ایمان به غیب؛ ب) باور به مهدویت مصداقی از مصداق اخبار از آینده؛ ج) باور به مهدویت و اصلاح جهان؛ د) باور به مهدویت و غلبه و پیروزی دین حق.

گفتنی است که در تبیین روش عقلی و نقلی شناخت آموزه مهدویت؛ تلاش گردید به کلمات و سخنان آیت‌الله صافی گلپایگانی استشهاد و از آن‌ها برای اثبات مطلب استفاده شود.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). مسند، بیروت، الرساله.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۳. الهی نژاد، حسین (۱۳۹۸). روش شناسی مهدویت پژوهی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، اسراء.
۵. حسین زاده، محمد (۱۳۹۰). نگاهی معرفت شناختی به وحی، الهام، تجربه دینی و عرفانی و فطرت، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۶. _____ (تابستان ۱۳۸۶). «عقل از منظر معرفت شناسی»، مجله معرفت فلسفی، ش ۱۶.
۷. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۶). الهیات در نهج البلاغه، قم، بوستان کتاب.
۹. _____ (۱۳۹۱). امامت و مهدویت، قم، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی.
۱۰. _____ (۱۳۹۲). انتظار عامل مقاومت، قم، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی.
۱۱. _____ (۱۳۹۳ الف). اصالت مهدویت، قم، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی.
۱۲. _____ (۱۳۹۳ ب). پاسخ به ده پرسش پیرامون امامت، قم، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی.
۱۳. _____ (۱۳۹۳ ج). پیام های مهدوی، قم، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی.
۱۴. _____ (۱۳۹۶). نوید امن و امان، قم، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی.
۱۵. صدر، محمد باقر (۱۴۱۷ق). بحث حول المهدی، محقق: عبدالجبار شراره، بیروت، مرکز الغدیر.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸). شیعه در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. _____ (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرس حوزه علمیه قم.
۱۸. طریحی، فخرالدین محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرين، تهران، مرتضوی.
۱۹. غفاری، حسین و همکاران (پاییز و زمستان ۱۳۸۹). «فطرت و نقش آن در معرفت شناسی»، مجله، آموزه های فلسفه اسلامی، ش ۹.



۲۰. کشاورز شکری، عباس و همکاران (تابستان ۱۳۹۱). «معرفت شناسی در تفکر علامه مطهری»، مجله ذهن، ش ۵۰.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، جلد ۳.
۲۴. _____ (۱۳۸۹). مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، جلد ۲۴.
۲۵. _____ (۱۳۷۷). یادداشت‌ها، قم، انتشارات صدرا.
۲۶. ملکی‌راد، محمود (۱۳۹۷). کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۷. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۴۲۸ق). مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، قم، مؤسسه الامام المهدي عَلَيْهِ السَّلَام وَجِبَالِ السُّوْفِ.